

همشهری

حافظ

تا گنج غمت در دل و برانه مقیم است
همواره را گوی خرابات مقام است

صفحه آخر

همشهری: www.hamshahrionline.ir
سایت روزنامه: newspaper.hamshahrionline.ir

دفتر مرکزی: تهران، خیابان ولیعصر (عج)، کوچه شهید سید کمال فریسی، شماره ۱۴
کدپستی: ۰۵۹۵۶-۱۹۶۶۶ | تهران، صندوق پستی ۱۹۳۹۵۵۴۴۶
تلفن: ۰۲۲-۲۳۰۰۰۰۰۰ | فکس: ۰۲۲-۴۶۰۶۶۶۰

پدیرش آگهی: ۸۳۲۳۱۰۰۰ | توزیع و اشتراک: موسسه نشرگستر امروزین | تلفن: ۹۱۲۰۴۱۴۲
چاپ: همشهری | تلفن: ۴۸۰۷۵۰۰۰

خانواده:
مدیرمحدث: تک فلاح
مدیر: قاسم عسگری نیا
تندیس: ...
مدیر: سعید محمدی
مدیر: عاطفه مرزانی
سرخ: ...
مدیر: جواد عزیز
مدیر: محمد حعفری
دانشگاه: ...
مدیر: ساسان شادمان
فرهنگ شهر: ...
مدیر: فرامرز شادزادی

سیاسی و دیپلماتیک:
مدیر: حسین ارجلو
مدیر: علی تریلی
شهرنگار: ...
مدیر: سیمین بردارن
مدیر: فهیمه طباطبایی
اقتصاد: ...
مدیر: سروش خسروی
مدیر: مهیم موسوی پور
تماشگر: ...
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
ایران شهر: ...
مدیر: زهرا عباسی

صاحب امتیاز:
مؤسسه همشهری
مدیر مسئول: محسن مهدیان
مدیر: سید دانیال معمار

مدیر: سعید محمدی
مدیر: علی تریلی
مدیر: سیمین بردارن
مدیر: فهیمه طباطبایی
مدیر: سروش خسروی
مدیر: مهیم موسوی پور
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
مدیر: زهرا عباسی

مدیر: سعید محمدی
مدیر: علی تریلی
مدیر: سیمین بردارن
مدیر: فهیمه طباطبایی
مدیر: سروش خسروی
مدیر: مهیم موسوی پور
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
مدیر: زهرا عباسی

مدیر: سعید محمدی
مدیر: علی تریلی
مدیر: سیمین بردارن
مدیر: فهیمه طباطبایی
مدیر: سروش خسروی
مدیر: مهیم موسوی پور
مدیر: امیر محمد یعقوب پور
مدیر: لیلی خرسند
مدیر: زهرا عباسی

گرمیونج

سفینه ۳ میلیون دلاری!



یک مدل مشهور از سفینه مورد استفاده قرار گرفته در فیلم جنگ ستارگان، به قیمت باورنکردنی ۳.۱۳ میلیون دلار فروخته شده است. این مدل از سفینه جنگی که در مقیاس ۱ به ۲۴ ساخته شده، شهرت زیادی در سری فیلم‌های جنگ ستارگان داشت اما سال‌ها گمان می‌رفت که مفقود شده و کسی از آن خبر ندارد. اما اخیراً، در پی مرگ یک مدل‌ساز معروف هالیوودی، در میان خرت و پرت‌های او در گوشه گاراژش پیدا شد. واران همان ۴۰۰ هزار دلار به حراج گذاشتند اما تقاضا برای آن اندکتر زیاد بود که در نهایت به قیمت ۳.۱۳ میلیون دلار فروخته شد. این ماکت، که انگار یک اسباب بازی زیباست، تنها یکی از هزاران آیتم بازاری است که در خانه گرگ جین پیدا شده است.

شگفتی مغز انسان‌های گرسنه



وقتی انسان گرسنه می‌شود، هر کاری می‌کند که در نخستین فرصت ممکن غذا پیدا کند و برای این کار، چنان مغزش را به کار می‌گیرد که دانشمندان را متعجب کرده است. در واقع مغز انسان گرسنه، با چنان سرعتی غذا را در محیط پیدا می‌کند که تصورش سخت است. براساس یافته‌های دانشمندان در دانشگاه سیدنی در استرالیا، وقتی که یک انسان گرسنه است، مغزش در تنها ۰.۸ میلی ثانیه، غذا را در محیط تشخیص می‌دهد و وقت را برای سیر شدن تلف می‌کند. دانشمندان می‌گویند که چشم انسان گرسنه، به دنبال غذا می‌گردد و همین باعث می‌شود که تبلیغات اغذیه فروشی‌ها، در مواردی بیشتر به چشم بیاید و این موارد، درست وقتی هستند که انسان حساسی گرسنه است.

موفق ترین و کیل قلابی دنیا!



یک مرد در کنیا که عشق و کیل شدن داشته، اخیراً به خاطر قبول و کالت ۲۶ پرونده حقوقی بدون اینکه مدرک و مجوز و کالت داشته باشد دستگیر شده. اما چیزی که همه را شگفت‌زده کرده، این است که او در تمامی این ۲۶ پرونده پیروز شده و به نفع موکلانش حکم گرفته است. برای آنجا که خودش را به عنوان وکیل جازده بود و با شرکت‌های حقوقی بزرگ کار می‌کرد. چنان موفق هم بود که خیلی‌ها آینده روشنی برایش پیش‌بینی می‌کردند. او پیش قاضی‌ها چنان با مهارت رفتار می‌کرد که هیچ‌کدام از آنها به او شک نکرده و تازه وقتی لورفت که یک وکیل دیگر، درباره احتمال تقلب او به یک قاضی اطلاع‌رسانی کرد. او قرار است به اتهام تقلب و جعل هویت دادگاهی شود و خودش وکیل خودش خواهد بود.

فراخوان

بی‌تعارف و تکلف مثل همین مستن کوتاهی که می‌بیسینید، ما منتظریم تا نوشته‌هایتان درباره مسائل روزمره، مشکلات و دغدغه‌هایتان را برای ما ارسال کنید. اگر اهل طنز و کار یکاتور و طراح‌های هم هستید چایتان اینجا محفوظ است. متن یا طرح تان که آماده شد یک تماس یا شماره ۰۲۲-۲۳۶۶۰۰۰۰ بگیرد یا برای رساندنش به ما، راهنمایی تان کنیم.



«کودک کشی» کسب و کار سالانه اسرائیل

که هنوز در گیری‌های اخیر غزه شروع نشده بود، به گزارش بنیاد نجات کودکان، آمار کودکان کشته شده توسط اسرائیل، به ۴۰ نفر رسیده بود؛ یعنی معادل یک کودک در هر هفته. نکته و حسرتناک در این میان این است که همه این کودکان توسط نظامی‌ها کشته نمی‌شوند و در مواردی، قاتلان آن‌ها، شهرک‌نشین‌های افراطی هستند. در یک مورد وحشتناک، یک کودک را یک نظامی اسرائیلی و یک شهرک‌نشین به صورت مشترک به شهادت رسانده‌اند. همه این آمارها البته امسال سر به فلک می‌کشند؛ کشتار غیر نظامیان در غزه توسط ارتش اسرائیل، مهیب و نفس‌گیر است و کودکان زیادی هم در این حملات اخیر جانشان را از دست داده‌اند. به خاطر شتاب تحولات و شدت حملات، آمار شهدا روز به روز بیشتر می‌شود و هر روز متغیر است اما براساس برآوردهای اولیه، هر ۱۵ دقیقه یک کودک در حملات نظامیان صهیونیست به شهادت می‌رسد. در یک هفته اول تهاجم ارتش رژیم صهیونیستی، که از هفتم اکتبر و در پی عملیات حماس علیه

ایران من

نگهبان هفت‌تپه

یادی از «عزت‌الله نگهبان» در ۵۰ سالگی موزه هفت‌تپه
با کاوش‌هایی که «عزت‌الله نگهبان» در «هفت‌تپه» انجام داد، باستان‌شناسی ایران به حدود و اندازه باستان‌شناسی جهانی رسید.
کامیار عبیدی
وقتی در سال ۱۳۴۴، گاوآهن ماشین‌های شخم‌زنی شرکت کشت و صنعت نیشکر هفت‌تپه - که هجدهم آذر ۴۳ سال پیش آغاز به کار کرده بود - به یک طاق هلالی از یک آرامگاه سلطنتی ایلامی در اراضی زیر کشت نیشکر در حاصلخیزترین منطقه دشت خوزستان، بین رودخانه‌های دز و کرخه، در حدود ۱۷ کیلومتری جنوب شرقی شوش یعنی هفت‌تپه اصابت کرد. خبر از کشفی می‌داد که در جهان باستان‌شناسی تصورناشدنی «عزت‌الله نگهبان» - که ۶۰ سالگی قبیلش مؤسسه باستان‌شناسی دانشگاه تهران را ایجاد کرده بود - مأمور تحقیق و تدقیق در آن سرزمین شد و کاوش را آغاز کرد. آن هم در شرایطی که رومن گیرشمن (Robert McCormick Adams)، مدیر مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو به بررسی روزمینی آن پرداخت، اما این ایرانی فرارغ التحصیل همان مؤسسه که خیلی‌ها او را با عنوان پدر باستان‌شناسی ایران می‌شناسند، آن را کاوید و شهر ایلامی میانه «کاپتاک» را شناخت و شناساند و نوری تاباند بر تاریخ تاریک سال‌های ۱۵۰ تا ۱۳۵۰ پیش از میلاد ایلام و

قدر دان شماییم آقا معلم

۵۳ سال معلمی

هفته گذشته یعنی ۱۹ مهر مطلبی در ستون گرمیونج همین صفحه به چاپ رسید

در باره معلمی که به خاطر ۵۳ سال مداوم به‌عنوان معلم علوم اجتماعی، در کورده‌های طولانی‌ترین دوران آموزش در مدرسه راه‌نم‌خودش در کتاب درسی‌های گمنام ثبت کرده است. همان روز «حسین جمشیدیان گلباگانی» معلمی که ۵۴ سال از عمرش را در راه تدریس و کارهای فرهنگی گذرانده، با روزنامه مسا تماس گرفت و معلوم شد که این آقا معلم یکی از خوانندگان قدیمی روزنامه است و سال‌های زیادی را در مدرسه‌های مختلف آموزگار، دبیر و معاون بوده و سابقه کارش قدیم‌تر است. گلباگانی که کارش را سال ۴۸ به‌عنوان آموزگار در مدرسه ملی هنر واقع در میدان خراسان تهران آغاز کرده، بعداً بازنشستگی هم بیکار ننشسته و چند سالی را در مدارس غیرانتفاعی تدریس کرده و بعد هم در اداره آموزش و پرورش باسخت‌معاون فنی و اجرایی مشغول به کار شده است. حال‌ها هم چند سالی است که در بنیاد نیکوکاری برین، مسئول بخش مدرسه‌سازی است و درخواستش این است که بیشتر درباره معلم‌هایی که موهباشان را در مدارس سپید می‌کنند و جایگاه والایی در جامعه و کشورمان دارند، نوشته شود. این تماس آقای معلم و صحبت با او بهانه‌ای شد که بدون مناسبت در تلاش مردان و زنانی که پایه‌گذار و ترویج‌دهنده فرهنگ در کشورمان بوده‌اند و عمرشان را برای تدریس در مدارس سپری کرده‌اند، قهرمانی کنیم. همه ما به نوعی مدیون زحمات معلمان و استادانی هستیم که با تلاش‌های بی‌وقفه خود نور علم و دایایی را در جودمان روشن کردند تا چراغی باقی باشد برای آینده ایران عزیزمان.

جهان روز

تنبلی؛ روزی برای فعال‌ها



تنبلی موضوع مورد علاقه نویسندگان کتاب‌های موفقیت است. مثلاً گذشته از اینکه برایان تریسی و راهکارهایش را قبول داشته باشیم، کتاب پرفروش «فوریات» را قورت بدهد! فقط حول یک موضوع می‌چرخد: تنبلی. حتی نویسندگان هم دست از سر این موضوع برنداشته‌اند! داستان روسی «بلوموف» حدیث تنبلی بی‌نهایت یک شخصیت به همین نام است. در این داستان تنها عاشق شدن بلوموف است که می‌تواند او را از زندگی همیشگی در رختخواب نجات دهد. اما سکه تنبلی روی دیگری هم دارد؛ اینکه مثلاً گاهی آدم‌ها لازم است بنشینند و به زندگی و سرعت مطمئنه‌اش فکر کنند و جایی هم برای فراغت و تنبلی برای خودشان باز بگذارند.

ارسطو گفته «ما کار می‌کنیم تا بتوانیم تفریح کنیم و فراغت داشته باشیم». از این واضح‌تر هم می‌شود گفت؟ ما بزرگسالان زندگی‌مان را بیش از هر چیز وقف کارمان می‌کنیم. ما حدوداً از ۱۲ سالگی تا ۷۰ سالگی زندگی‌مان را به کار کردن می‌گذرانیم. اینقدر که کار می‌کنیم نمی‌خواهیم، برای خانواده‌مان وقت نمی‌گذاریم، نمی‌خوریم، تفریح و استراحت نمی‌کنیم. چه کارمان را دوست داشته باشیم چه از آن نفرت داشته باشیم، چه در آن موفق باشیم و چه ناموفق، به هر حال هم‌مان مثل سیزیف محکوم به آنیم که سنگ بزرگ کارمان، شغلمان، حرفه‌مان را هر روز به دوش بکشیم و به بالای کوه ببریم تا دوباره پایین بچلند و روز بعد دوباره روز از نو، روزی از نو. او گند نشن، نویسنده می‌گوید: «حتی آن‌دسته‌ای که ما که حالمان از کار کردن به هم می‌خورد هم باز باید کار کنیم تا بتوانیم پول کافی به‌دست آوریم تا دیگر مجبور نباشیم کار کنیم!»

امروز در تقویم جهانی، روز تنبلی است؛ نه برای آدم‌هایی که تنبلی‌های جزئی دارند؛ همان تنبلی‌هایی که حسشان در موقعیت‌های خاصی به سرمان می‌زند و زندگی‌مان را موقتاً فلج می‌کند. برعکس، امروز آنهایی است که یک سال بی‌وقفه کار کرده‌اند و استراحتی نداشته‌اند و حالا این روز را فراغت است به طاعت بگذرانند و کل روز را مثل اسلات - همان تیل درختی معروف - در خانه استراحت کنند. یکبار برتراند راسل ۹۰-۸۰ سال پیش تر برداشت یک رساله کم‌ظفر ۴۰-۲۰ صفحه‌ای نوشت مؤید همین صحبت‌ها با اسم غریب در ستایش طاعت. حرف راسل این بود که ما زیاد داریم بی‌جهت پیش می‌رویم. ما زیاد داریم بی‌دلیل به اسم کار، ریاضت‌طلبی به قول خودش احقانه می‌کنیم و شب‌ها خسته‌تر می‌گردیم توی رختخواب‌هایمان. رساله در واقع در ستایش فراغت بود. در آن پیرمرد یک سؤال ساده پرسیده: «تا ۱۰ ساعت کار کی بالاخره تقلیل پیدا می‌کند؟» حالا که به قول راسل سعادت و تنعم انسان در گرو کاهش ساعت کار است، بیاید باقی روز را به دلخواه زیست کنیم و از روز تنبلی لذت ببریم.

دغدغه

قدر دان شماییم آقا معلم



۵۳ سال معلمی

هفته گذشته یعنی ۱۹ مهر مطلبی در ستون گرمیونج همین صفحه به چاپ رسید

در باره معلمی که به خاطر ۵۳ سال مداوم به‌عنوان معلم علوم اجتماعی، در کورده‌های طولانی‌ترین دوران آموزش در مدرسه راه‌نم‌خودش در کتاب درسی‌های گمنام ثبت کرده است. همان روز «حسین جمشیدیان گلباگانی» معلمی که ۵۴ سال از عمرش را در راه تدریس و کارهای فرهنگی گذرانده، با روزنامه مسا تماس گرفت و معلوم شد که این آقا معلم یکی از خوانندگان قدیمی روزنامه است و سال‌های زیادی را در مدرسه‌های مختلف آموزگار، دبیر و معاون بوده و سابقه کارش قدیم‌تر است. گلباگانی که کارش را سال ۴۸ به‌عنوان آموزگار در مدرسه ملی هنر واقع در میدان خراسان تهران آغاز کرده، بعداً بازنشستگی هم بیکار ننشسته و چند سالی را در مدارس غیرانتفاعی تدریس کرده و بعد هم در اداره آموزش و پرورش باسخت‌معاون فنی و اجرایی مشغول به کار شده است. حال‌ها هم چند سالی است که در بنیاد نیکوکاری برین، مسئول بخش مدرسه‌سازی است و درخواستش این است که بیشتر درباره معلم‌هایی که موهباشان را در مدارس سپید می‌کنند و جایگاه والایی در جامعه و کشورمان دارند، نوشته شود. این تماس آقای معلم و صحبت با او بهانه‌ای شد که بدون مناسبت در تلاش مردان و زنانی که پایه‌گذار و ترویج‌دهنده فرهنگ در کشورمان بوده‌اند و عمرشان را برای تدریس در مدارس سپری کرده‌اند، قهرمانی کنیم. همه ما به نوعی مدیون زحمات معلمان و استادانی هستیم که با تلاش‌های بی‌وقفه خود نور علم و دایایی را در جودمان روشن کردند تا چراغی باقی باشد برای آینده ایران عزیزمان.